

مفهوم‌شناسی جهاد کبیر در قرآن کریم و تبیین عرصه‌های آن

محمود کریمی*

محمدرضا بخشی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۲۸

تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۰۲/۱۵

چکیده

جهاد کبیر تنها ترکیب وصفی در حوزه جهاد، در آیات قرآن کریم است. از آنجایی که در آیات قرآن و نیز سنت اهل‌بیت، جنبه نظامی در موضوع جهاد پررنگ و برجسته است، شایسته است موضوع «جهاد کبیر» مورد بررسی قرار گیرد تا روشن شود آیا جهاد کبیر نیز در حوزه نظامی است یا به عرصه‌های دیگری مربوط می‌شود. مفسران و فقها نوعاً در مورد جهاد به معنای جنگ نظامی به تفصیل بحث کرده‌اند، اما در باب جهاد کبیر و مصداق و عرصه‌های آن پژوهش‌چندانی صورت نگرفته است. لذا مسئله اصلی مقاله پیش رو، تبیین چیستی مفهوم جهاد کبیر در قرآن کریم و بیان مهم‌ترین عرصه‌های آن است که نوآوری مقاله را تشکیل می‌دهد. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به نظر مفسران و تحلیل دیدگاه‌های آنان موضوع جهاد کبیر را مورد پژوهش قرار می‌دهد. براساس یافته‌های تحقیق، جهاد کبیر مشتمل بر دو ویژگی «جهاد» به مفهوم عام آن یعنی همراه بودن امری با سختی و به کار بردن نهایت تلاش در جهت تحقق هدف است. در عین حال، ابزاری که در جهاد کبیر استفاده می‌شود نظامی نیست، بلکه بسته به اختلاف موجود در تفسیر آیه ۵۲ سوره فرقان، «معارف و آموزه‌های قرآن کریم» و یا «تبعیت نکردن از کافران» است. جهاد فرهنگی، جهاد اقتصادی، جهاد سیاسی و جهاد علمی مهم‌ترین عرصه‌های جهاد کبیر است که دشمن می‌تواند با دور کردن امت اسلامی از این صحنه‌های جهاد، جامعه اسلامی را به اطاعت از خود وادار نماید.

کلیدواژه‌ها: جهاد، جهاد کبیر، اطاعت از کافران، مقابله با کافران، سوره فرقان.

* دانشیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق (ع) نویسنده مسؤول. Karimiimahmoud@gmail.com

** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه فردوسی مشهد. Mr.bakhshi71@gmail.com

مقدمه

جهاد کبیر تنها یک بار در قرآن کریم در آیه ﴿فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا﴾^۱ (فرقان/۵۲) به کار رفته است. غالب تفاسیر، جهاد کبیر را تلاشی می‌دانند که در عرصه ترویج فرهنگ قرآنی صورت می‌گیرد. در عین حال، این تفاسیر در زمینه چیستی جهاد کبیر و عرصه‌های آن، بررسی کاملی را انجام نداده و حدود مرزهای آن را مشخص نکرده‌اند.

در باب پیشینه موضوع، باید گفت کتب متعددی در موضوع جهاد تألیف شده که نوعاً به بعد نظامی جهاد پرداخته‌اند. کتبی مانند جهاد و موارد مشروعیت آن در قرآن، مرتضی مطهری، دفتر انتشارات اسلامی ۱۳۶۱؛ سیمای جهاد و مجاهدان در قرآن کریم، علی شیروانی، مرکز جهانی علوم اسلامی ۱۳۸۶؛ جنگ و جهاد در قرآن تألیف محمدتقی مصباح یزدی، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی ۱۳۹۴؛ و جهاد در قرآن تألیف حسن طاهری خرم‌آبادی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۸۰، از این دسته‌اند. همچنین در مورد جهاد با نفس یا جهاد اکبر کتبی مانند وسائل الشیعه باب جهاد النفس، تألیف شیخ حر عاملی، المكتبة الاسلامیة ۱۳۸۴؛ جهاد اکبر یا مبارزه با نفس تألیف امام خمینی رحمه‌الله‌علیه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ۱۳۹۴؛ و جهاد اکبر تألیف محمدرضا عابدینی، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها ۱۳۹۶ را می‌توان یافت.

جهاد کبیر به جز اشاره مختصر به آن در تفاسیر،

به صورت یک موضوع یا مسئله مستقل در سایر علوم اسلامی مطرح نبوده است. این در حالی است که جهاد اصغر یعنی کارزار با کافران در میدان جنگ، هم در منابع فقهی و هم در روایات اهل بیت بررسی شده و بحث از جهاد اکبر یعنی مبارزه با نفس نیز در منابع روایی، اخلاقی و عرفانی به چشم می‌خورد. بر این اساس، پژوهش‌های مستقلی در مورد آن به رشته تحریر درنیامده است. در سوم خردادماه سال ۱۳۹۵، مقام معظم رهبری جهاد کبیر را راهبرد نظام جمهوری اسلامی ایران در مقطع کنونی برای مقابله با دشمنان دانستند. لذا از این تاریخ جهاد کبیر در مراکز علمی و فرهنگی اهمیت بیشتری پیدا کرد و به عنوان موضوع مستقلی توجه پژوهشگران را به خود جلب نمود. تاکنون دو اثر مستقل در این موضوع نوشته شده است. اثر اول کتابی است با عنوان «جهاد کبیر در اندیشه امام خامنه‌ای (مبانی، مفاهیم، الزامات)» که با تحقیق پژمان پورجباری توسط مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه امام حسین علیه‌السلام در سال ۱۳۹۶ چاپ شده است. همان‌طور که از نام این اثر پیداست، جهاد کبیر در اندیشه مقام معظم رهبری محور بحث قرار گرفته و به شکل مستقیم و مستقل، از منظر قرآن کریم بررسی نشده است. اثر دوم کتاب «جهاد کبیر» تألیف محسن مطلبی جوتقانی است که به کوشش معاونت فرهنگی و تبلیغات نمایندگی ولی فقیه توسط نشر مقاومت در سال ۱۳۹۶ به چاپ رسیده است. در این کتاب، به جنبه‌های سیاسی جهاد کبیر توجه شده و به تعریف ماهیت جهاد کبیر از منظر قرآن و نیز عرصه‌های مختلف آن اشاره‌ای نشده است. به جز این دو کتاب، تک‌نگاری دیگری پیرامون جهاد کبیر چه در قالب کتاب یا مقاله در

۱. «بنابر این از کافران اطاعت مکن و بوسیله آن [قرآن] با آنان

جهاد بزرگی بنما.»

خود و القای تفکر مادی غربی و کفرآمیز در جامعه، انگیزه مقاومت و ایستادگی در برابر خود را از درون از آنها سلب کند. هدف از این تحقیق، بحث دقیق نظری پیرامون جهاد کبیر و مهم‌ترین عرصه‌های آن است.

روش تحقیق توصیفی- تحلیلی است و با توجه به آنکه قرآن کریم منبع اصلی مقاله به شمار می‌آید، تدبیر در آن و نیز مراجعه به تفاسیر معتبر محتوای لازم تحقیق را فراهم می‌آورد. علاوه بر آن، از طریق مشاهده نرم‌افزارهای مرتبط و پایگاه‌های اینترنتی، دیگر داده‌های لازم جمع‌آوری و تحلیل می‌گردد.

بخش ۱. مفهوم‌شناسی جهاد کبیر در قرآن کریم
با توجه به اینکه جهاد کبیر یکی از مصادیق مفهوم «جهاد» است که به‌طور گسترده در قرآن کریم به کار رفته، لازم است ابتدا مفهوم «جهاد» مورد بررسی قرار گیرد. با روشن شدن معنای جهاد در قرآن کریم، بخش اول از مفهوم «جهاد کبیر» مشخص می‌شود. پس از توضیح معنای لغوی و توجه به کاربردهای واژه جهاد در قرآن کریم، به تعریف دقیق مفهوم جهاد کبیر پرداخته می‌شود و ابزار تحقق آن مطابق با آیه ۵۲ سوره فرقان معرفی می‌گردد.

۱. مفهوم جهاد در قرآن کریم

در این بخش، ابتدا مفهوم جهاد از نظر لغوی و سپس نوع کاربردهای آن در قرآن کریم مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

الف. جهاد در لغت

در کتاب *العین* در مورد «جهاد» چنین آمده است:

نشریات علمی- پژوهشی، وجود ندارد. لذا مقاله پیش رو بر آن است تا این خلأ علمی را پر کند و علاوه بر مفهوم‌شناسی جهاد کبیر براساس قرآن کریم، مهم‌ترین عرصه‌های آن را روشن سازد.

اهمیت موضوع از آن جهت است که یکی از محورهای اصلی معارف قرآن کریم، حفظ امت مسلمان و ارزش‌های دینی آنان در برابر نقشه‌ها و کیدهایی است که کفار و مشرکان علیه مؤمنان طراحی می‌کنند. آیاتی مانند ﴿و یمکرون و یمکر الله و الله خیر الماکرین﴾ (انفال/ ۳۰) و ﴿یریدون لیطفئوا نور الله بافواههم و الله متم نوره ولو کره الکافرون﴾ (صف/ ۸) از این دسته‌اند. خداوند براساس آیات شریفه قرآن کریم مانند ﴿هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون﴾ (توبه/ ۳۳) اراده کرده تا دین خود را بر همه ادیان و مکاتب غالب کند. این غلبه جز با شناخت دقیق کفر و کافران و مقابله جدی با آنها محقق نمی‌شود. با توجه به تأسیس جمهوری اسلامی در ایران و خطراتی که دشمن با آن مواجه شده، مسأله شناخت راه‌های نفوذ دشمن و چگونگی مقابله با آن ضرورت بیشتری نیز پیدا کرده است. به همین جهت رهبر معظم انقلاب بر انجام جهاد کبیر تأکید ویژه داشته و آن را وظیفه همه دلسوزان نظام اسلامی می‌داند (خامنه‌ای، سخنرانی در دانشگاه

امام حسین علیه‌السلام: ۱۳۹۵/۳/۳)؛ بنابراین بررسی جهاد کبیر از منظر قرآن کریم در عرصه عمل نیز ضرورت می‌یابد. دشمن به‌خوبی آگاه است که علت مقاومت و عدم تبعیت از او ناشی از آموزه‌های استکبارستیزانه‌ای است که مرهون تعالیم دینی است. لذا می‌خواهد با تضعیف باورها و اندیشه‌های ناب اسلامی و تهی کردن دین و مناسک دینی از محتوا و عمق حقیقی

بیان شده است^۵ (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۲۰۸).
از مجموع مطالب، نتیجه می‌شود که دو معنای اصلی ماده «جهد» و مشتقات آن عبارت‌اند از: ۱. همراه بودن امری با سختی ۲. استفاده از همه توان در جهت تحقق مطلوب.

ب) جهاد در کاربرد قرآن کریم

ریشه «جهد» و مشتقات آن ۴۱ مرتبه در ۳۶ آیه قرآن کریم به کار رفته است (عبدالباقی، ۱۳۷۴: ۲۳۲-۲۳۳). از این موارد در هشت کاربرد مشتقات «جهد» ناظر به معنای لغوی است و با اصطلاح جهاد ارتباطی ندارد. از این تعداد، در پنج آیه تعبیر «أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ» به کار رفته^۶ که به معنای «با نهایت تأکید سوگند یاد کردن» است.

۳۳ کاربرد دیگر مشتقات «جهد» ناظر به معنای اصطلاحی جهاد در قرآن کریم است؛ یعنی به کار بردن نهایت تلاش در مسیر تحقق اهداف الهی. از این تعداد در ۱۱ مورد به همراه «فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (بقره/۲۱۸؛ نساء/۹۵؛ مائده/۵۴؛ انفال/۷۲؛ انفال/۷۴؛ توبه/۱۹؛ توبه/۲۰؛ توبه/۴۱؛ توبه/۸۱؛ حجرات/۱۵؛ صف/۱۱)، در ۱۰ کاربرد مقید به «أَمْوَالٍ وَأَنْفُسٍ» (نساء/۹۵) (دو بار)؛ انفال/۷۲؛ توبه/۲۰؛ توبه/۴۱؛ توبه/۴۴؛ توبه/۸۱؛ توبه/۸۸؛ حجرات/۱۵؛ صف/۱۱)، در دو مورد به همراه «فِي سَبِيلِهِ» (مائده/۳۵؛ توبه/۲۴)، در یک مورد به همراه «فِي سَبِيلِي» (ممتحنه/۱)، در یک مورد به همراه «فِي اللَّهِ» (حج/۷) و در یک مورد به همراه

۵. وَالْجِهَادُ وَالْمُجَاهَدَةُ: اسْتِفْرَاحُ الْوَسْعِ فِي مَدَافِعَةِ الْعَدُوِّ وَالْجِهَادِ ثَلَاثَةٌ أُضْرِبُ: - مُجَاهَدَةُ الْعَدُوِّ الظَّاهِرِ - وَ مُجَاهَدَةُ الشَّيْطَانِ - وَ مُجَاهَدَةُ النَّفْسِ.

۶. مائده/۵۳؛ أنعام/۱۰۹؛ نحل/۳۸؛ نور/۵۳؛ فاطر/۴۲.

«الْجِهَادُ مَا جَهَدَ الْإِنْسَانُ مِنْ مَرَضٍ، أَوْ أَمْرٍ شَاقٍ فَهُوَ مَجْهُودٌ»^۲ (خلیل بن احمد فراهیدی، ۱۴۱۰ق: ۳۸۶/۳). مؤلف الصَّحاح، جَهْدٌ وَ جُهْدٌ رَا بِه مَعْنَاي طَاقَتِ وَ مَشَقَّتِ مِی دَانَد. وَی دَر اَدَامَه مِی نَوِیْسَد: «جَهَدْتُ اللَّيْنَ فَهُوَ مَجْهُودٌ، أَيْ أَخْرَجْتُ زُبْدَهُ كَلَّةً»^۳ (جوهری، ۱۳۷۶ق: ۴۶۰/۲). از این مطلب فهمیده می‌شود که کاربرد فعل «جهد» در مواردی است که انجام آن، نیاز به زحمت فراوان دارد. ابن فارس نیز، اصل معنای «جهد» را مشقت می‌داند و معتقد است که دیگر معانی نزدیک به آن بعداً بر آن حمل شده است^۴ (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۴۸۶/۱). از این توضیحات روشن می‌شود که سختی داشتن، از ویژگی‌های معنایی ماده «جهد» است.

ابن درید در مورد «جهد» می‌نویسد: «زمانی که گفته می‌شود: بَلَغَ الرَّجُلُ جُهْدَهُ وَ جَهْدَهُ وَ مَجْهُودَهُ، یعنی نهایت طاقت و توانایی خود را به کار بست. «جهد» در کاربرد: «جَهَدْتُ الرَّجْلَ» به معنای وادار کردن طرف (به انجام دادن نهایت تلاش) در رسیدن به خواسته خود است» (ابن درید، ۱۹۸۸م: ۴۵۲/۱). معنایی که از این توضیحات فهمیده می‌شود، استفاده از تمام توان و انرژی، جهت رسیدن به یک هدف است.

در المفردات فی غریب القرآن، «جهد» به طاقت و مشقت تفسیر شده و «جهاد» و «مجاهده» به معنای به‌کارگیری نهایت کوشش در برابر دشمن

۲. «جهد هر چیزی است که انسان را به سختی بیندازد از قبیل بیماری، یا هر امر سخت دیگری که در نتیجه آن به انسان مورد رنج و سختی واقع می‌شود.»
۳. «به سختی انداختن شیر را، پس به سختی افتاد؛ یعنی کره شیر را به سختی از آن جدا کردم.»
۴. الجیم و الهاء و الدال أصله المشقة، ثم يُحْمَلُ عَلَيْهِ مَا يُقَارِبُهُ.

خود انجام می‌دهند و سختی انجام آن را جهت پیروی از دستور خدا تحمل می‌کنند (طوسی، بی‌تا: ۲۶۹/۵).

جهاد با نفس، از دیگر شاخه‌های جهاد با نفس است که در آن به مبارزه با تمایلات نفسانی پرداخته می‌شود. نفس به دنبال بیرون کردن فرشتگان از ساحت وجود انسان و جایگزین کردن شیاطین در آن است (امینی، ۱۳۶۹: ۶۹). لذا مبارزه با هواهای نفسانی همواره مورد تأکید دین اسلام بوده است. بدین ترتیب، براساس معنای لغوی و کاربردهای واژه جهاد در قرآن کریم، جهاد عبارت است از به کار بردن نهایت تلاش در راه کسب رضای الهی که به وسیله مال و جان صورت می‌گیرد.

۲. جهاد کبیر

در قرآن کریم «جهاد کبیر» تنها در آیه «فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا»^۷ (فرقان/۵۲) به کار رفته است. جهاد کبیر دستوری الهی بر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است که در فضای مکه برای مقابله با کافران صادر شده است. با توجه به مکی بودن سوره فرقان، جهاد به معنای جنگ نظامی نیست، زیرا تشریح جنگ (قتال) پس از هجرت، در مدینه و بعد از نبرومند شدن اسلام بوده است (معرفت، ۱۴۱۵ق: ۱۳۰/۱-۱۳۱). در این بخش پس از تعریف جهاد کبیر، شیوه تحقق آن براساس آیه مورد بحث تبیین می‌گردد.

الف) جهاد کبیر در قرآن کریم

با توجه به اینکه جهاد کبیر یکی از مصادیق جهاد در

«فینا» (عنکبوت/۶۹) آمده و در بقیه موارد به شکل مطلق به کار رفته است.

آیاتی که جهاد با قیود: «فِي سَبِيلِ اللَّهِ»، «فِي سَبِيلِهِ»، «فِي سَبِيلِي»، «فِي اللَّهِ» و «فِينَا» در آنها به کار رفته، هدف جهاد را مشخص می‌کند. «سَبِيلِ اللَّهِ» راه حق و خیر و فضیلت است و هرگونه تلاشی در راه دفاع از حق و فضائل و تشویق کردن مردم بر انجام آنها، جهاد فی سبیل الله است (مراغی، بی‌تا: ۱۰۹/۶). در واقع وقتی تمام تلاش انسان، معطوف به امور مربوط به خداوند اعم از اعتقاد و عمل می‌شود به گونه‌ای که هیچ عاملی او را از ایمان به خدا و انجام دستورات او باز ندارد، به هدف از جهاد دست یافته است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق: ۱۵۱/۱۶). این آیات که هدف از جهاد را مشخص می‌کنند، شامل تمام درجات جهاد می‌شود و اختصاص به جنگ نظامی با دشمن ندارد (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۳۶/۱۱). بلکه گستره‌ای عام دارد و شامل جهاد با نفس، جنگ نظامی و هرگونه تلاشی برای تقویت دین الهی و نصرت مؤمنان می‌شود. لذا جهاد فی سبیل الله با ابزارهای متفاوتی از جمله دست، زبان، قلب، شمشیر، سخن و کتاب می‌تواند محقق شود (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۹۳/۳).

در ۱۰ آیه، جهاد مقید به اموال و انفس شده است. جهاد با اموال و انفس از لوازم ایمان به خدا و باور به قیامت است؛ زیرا در پرتوی ایمان، تقوا حاصل می‌شود و مؤمن با تقوا، جهاد به وسیله اموال و نفس را بر خود واجب می‌داند و کوتاهی در انجام آن را بر خود روا نمی‌داند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق: ۲۸۹/۹).

جهاد با انفس، مجموعه تلاش‌ها و اقداماتی است که افراد در راستای تحقق اهداف دینی با بدن‌های

۷. «بنابراین از کافران اطاعت مکن و به وسیله آن [قرآن] با آنان

جهاد بزرگی بنما».

قرآن کریم است، ویژگی‌های معنایی «جهاد» که در بخش قبل مشخص گردید، در مفهوم جهاد کبیر نیز وجود دارد. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: ۱. همراه بودن امری با سختی؛ ۲. به‌کارگیری همه توان در جهت تحقق هدف. علاوه بر این دو خصوصیت، در آیه «فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَاداً كَبِيراً»^۸ (فرقان/۵۲)، ویژگی دیگری نیز برای جهاد کبیر ارائه شده که با آن تعریف جهاد کبیر کامل می‌شود. در این آیه «جاهد» فعل امر است که از طرف خداوند متعال صادر شده است. فاعل آن ضمیر مستتر «أنت» است که به پیامبر اکرم بازگشت می‌کند. مرجع ضمیر «هم» در فعل «جاهد» کافران هستند که در ابتدای آیه «فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ» به آن اشاره شده است. در نتیجه مقصود از جهاد کبیر، «نوعی مقابله غیرنظامی با کافران» است که سومین ویژگی جهاد کبیر به شمار می‌آید. هرچند در آیات دیگری (توبه/۷۳؛ تحریم/۹) نیز بر مجاهده با کفار به صورت عام تصریح شده، اما با توجه به سیاق آیه و نزول آن در مکه، تقابل خاصی با کفار در اینجا اراده شده و آن در شرایط غیرنظامی است که کفار، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را به اطاعت از خود فرامی‌خوانند.

اطاعت نکردن از کافران، مستلزم رویارویی با سختی‌ها و فشارهای مختلفی است که در راستای تضعیف مقاومت مؤمنان بر آنها وارد می‌شود. این فشارها متناسب با وضعیت و شرایطی که مؤمنان و مستکبران در آن قرار دارند، اعمال می‌شود. پیش از

۸. «بنابراین از کافران اطاعت مکن و به وسیله آن [قرآن] با آنان جهاد بزرگی بنما».

هجرت، مسلمانان یک جریان اجتماعی نوپا بودند و اقلیتی از جامعه را تشکیل می‌دادند. آنها از جانب جریان‌های مخالف که نمی‌توانستند نابودی شوکت و اعتبار اجتماعی خود را ببینند، مورد انواع بی‌مهری‌ها و رنج‌ها قرار می‌گرفتند تا در اثر این فشارها دست از مقابله با جریان کفر حاکم بر جامعه بردارند و تسلیم آن شوند. جهاد کبیر در این شرایطی که مؤمنان در ضعف قرار دارند به این معناست که مؤمنان تحت تأثیر فشار، تهدید و تطمیع کافران قرار نگیرند و از آنها اطاعت نکنند. با هجرت به مدینه و تشکیل حکومت اسلامی، مشرکان مکه که عزت و شوکت خود را با توسعه روزافزون دین اسلام در آستانه فروپاشی می‌دیدند، با فراهم آوردن سپاهی بزرگ به مدینه حمله کردند. مؤمنان مخلصانه به مقابله با آنان روی آوردند و به‌رغم اینکه از نظر نیرو و تجهیزات نظامی بسیار ضعیف‌تر بودند، به‌دلیل استقامت و تقوای الهی، با نزول فرشتگانی الهی و انداخته شدن ترس و وحشت در قلب کافران، مورد نصرت الهی قرار گرفتند و به پیروزی در جنگ بدر رسیدند (انفال/۱۳). این‌چنین خداوند وعده خود مبنی بر فراهم کردن یک زندگی نیکوی دنیوی در ذیل یک جامعه اسلامی را برای آنان محقق کرد (طباطبائی، ۱۴۱۷ق: ۲۵۴/۱۲-۲۵۵).

مشرکان مکه پس از جنگ بدر، جنگ‌های دیگری را به راه انداختند، اما نتوانستند با جنگ نظامی مانع رشد و اقتدار مسلمانان شوند. در چنین شرایطی که به تبعیت و داشتن مؤمنان از طریق نظامی امکان‌پذیر نباشد، دشمن با فراهم آوردن مجموعه‌ای از موانع و فشارها در ابعاد مختلف زندگی اعم از فرهنگ، اقتصاد و سیاست، خواهان تسلیم جامعه اسلامی و به تبعیت

و داشتن آن است (مدرسی، ۱۴۱۹ق: ۴۵۶/۸). علاوه بر این اقدامات علنی در مبارزه با نظام اسلامی، دشمن به اقدامات پنهانی نظیر نفوذ در پیکره جامعه دست می‌زند و درصدد از بین بردن زیرساخت‌های فکری جامعه دینی و بازتعریف آنها مطابق با ایدئولوژی ضد خدایی خود است تا از این طریق به شکلی پنهان، جامعه را تحت تسلط فکری خود دریاورد و خود را به‌مثابه الگویی ارزشی برای آن تعریف کند و عملاً او را دنباله‌روی خود نماید. حفظ هویت دینی و عدم اطاعت عملی از دشمن در این جنگ نرم، نیازمند مقاومتی استوار در رفع فشارها و اقدامات سلطه‌گرایانه دشمن است. بدین ترتیب، کفار برای تحمیل شرایط خود بر جامعه مؤمنان و واداشتن آنها به اطاعت خویش در هر عصری از شیوه‌ها و ابزارهای خاص خود استفاده می‌کنند. با توجه به جاودانگی آموزه‌های قرآن و جاری بودن قاعده جری و تطبیق، شیوه‌ها و ابزارهای مقابله مؤمنان با کفار در راستای عدم اطاعت از آنها در هر عصر و نسلی، می‌تواند مصادیقی از جهاد کبیر محسوب شود.

از مجموع آنچه گفته شد، تفاوت جهاد کبیر با دیگر انواع جهاد خصوصاً جهاد اصغر و اکبر نیز مشخص می‌گردد. در جهاد اکبر مقابله با دشمنان خارجی جامعه اسلامی مطرح نیست، بلکه به مبارزه با نفس درونی پرداخته می‌شود. لذا موضوع جهاد اکبر با جهاد کبیر کاملاً متفاوت است. جهاد اصغر (جنگ نظامی) تنها به تقابل نظامی با دشمنان جامعه اسلامی اشاره دارد، حال آنکه جهاد کبیر به هرگونه مبارزه‌ای اطلاق می‌شود که میان جامعه اسلامی و دشمنان آن در عرصه‌های گوناگون غیرنظامی شکل می‌گیرد...

ب) ابزار جهاد کبیر

همان‌طور که جهاد با نفس و جهاد به معنای قتال، ابزارها و روش‌های خاص خود را دارد، مجاهدت در میدان جهاد کبیر نیز مستلزم ابزارها و شیوه‌های خاص خود است. ضمیر «ه» در عبارت «... وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» (فرقان/۵۲) شیوه تحقق جهاد کبیر را مشخص کرده است. مفسران در مرجع ضمیر اختلاف نظر دارند. برخی مرجع آن را با توجه به قرائن سیاقی، قرآن می‌دانند و بعضی دیگر مصدر منتزع از فعل «لَا تُطِيعُ» یعنی «عدم الإطاعة» را به‌عنوان مرجع ضمیر اختیار کرده‌اند.^۹ در ادامه دیدگاه مشهورترین قائلان هر یک از این دو قول ارائه می‌گردد و درنهایت به تحلیل و نقد آنها پرداخته می‌شود.

معارف قرآن کریم

برخی از مفسران با توجه به سیاق آیه، مرجع ضمیر را قرآن کریم می‌دانند. شیخ طوسی، علامه طبرسی و علامه طباطبایی در بین مفسران شیعه و آلوسی و سیدقطب از مفسران برجسته اهل سنت، از مشهورترین قائلان این نظر هستند.

صاحب تبیان، مرجع ضمیر «به» را قرآن کریم دانسته (طوسی، بی تا: ۴۹۸/۷) و صاحب مجمع البیان نیز ضمن تأیید این دیدگاه، جهاد متکلمان را از بزرگ‌ترین و با فضیلت‌ترین انواع جهاد می‌داند زیرا آنها با پاسخ‌گویی به شبهات دشمنان دین، به دفاع از

۹. در تفاسیر معدودی نیز احتمالات دیگری درخصوص مرجع ضمیر داده شده که به دلیل سازگار نبودن با سیاق، به آنها اشاره نشده است.

می‌داند - ترویج قرائت قرآن برای همه انسان‌های جهان و عدم انحصار آن در میان مسلمانان است (مغنیه، ۱۴۲۴ق: ۴۷۵/۵-۴۷۶).

سید محمدتقی مدرسی مفسر دیگری که مرجع ضمیر را قرآن کریم می‌داند معتقد است اطاعت نکردن از کافران و تسلیم نشدن در برابر افکار و فشارهای آنان، مؤمنان را به درگیر شدن با آنها در میدان‌های مختلف می‌کشانند و حتی ممکن است که جهاد اصغر یعنی جنگ نظامی را هم به دنبال داشته باشد؛ اما کافران باید بدانند که قرآن کریم روش‌های مختلف جهاد اعم از جهاد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی را در خود دارد و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم متناسب با شرایط، هر روشی را که در مبارزه با آنها کارآمد بداند، به کار خواهد گرفت. تأکید تفسیر من هدی القرآن بر این است که جهاد، به وسیله قرآن کریم به جهادی همه‌جانبه و فراگیر تبدیل می‌شود و استمرار پیدا می‌کند (مدرسی، ۱۴۱۹ق: ۴۵۶/۸).

صاحب تفسیر من وحی القرآن نیز با ارجاع ضمیر «به» به قرآن کریم، قرآن را به دلیل مفاهیم حقه والا و نیز اسالیب متنوع آن، ابزار جهاد کبیر می‌داند که قدرت مقاومت در برابر نقشه‌ها و افکار منحرف کافران را دارد. وی قرآن کریم را خط مستقیمی می‌داند که همه دعوت‌کنندگان به سوی خدا باید آن را حمل کنند و در مواجهه با کفر و شرک از دستورات آن مدد جویند (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق: ۶۳/۱۷).

آیت‌الله جوادی آملی ضمیر (به) را به کتاب، قول الهی و تعلیم الهی برمی‌گرداند و معتقد است جهاد کبیر، حد وسط بین جهاد اصغر و جهاد اکبر است. مقصود از جهاد کبیر، جهاد فرهنگی است و لازمه آن فراگیری

دین الهی می‌پردازند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۷۳/۷). لذا براساس دیدگاه جناب طبرسی، جهاد کبیر عبارت است از پاسخ‌گویی علمی و دقیق به شبهات و اقدامات دین‌هراسانه کافران که با هدف تضعیف باورهای دینی جامعه ایمانی صورت می‌گیرد تا با سست کردن عقاید مؤمنان، زمینه‌های نفوذ و تسلط خود را بر آن جامعه فراهم آورند و به تدریج آنها را به اطاعت خود وادار کنند. علامه طباطبائی با توجه به قرائن سیاقی، مرجع ضمیر «به» را قرآن کریم می‌داند. ایشان جهاد را به معنای بذل نهایت تلاش در مقابل دشمن تعریف می‌کند و در این آیه که انجام جهاد به وسیله قرآن کریم خواسته شده است، جهاد را به معنای تلاوت قرآن، بیان حقایق و معارف آن و اتمام حجت می‌داند. در نتیجه معنای آیه این می‌شود که به وسیله قرآن کریم در راه برداشتن حجاب‌های چهل نهایت تلاش خود را انجام بده و به این وسیله مردم را از غفلت بیدار کن (طباطبائی، ۱۴۱۷ق: ۲۲۹/۱۵).

محمدجواد مغنیه نیز، مرجع ضمیر را قرآن کریم می‌داند و می‌نویسد: در آنچه کافران تو را به سوی آن فرا می‌خوانند، اطاعت نکن. بلکه از هر فرصتی استفاده کرده و آیات الهی را به گوش آنها برسان، زیرا همین نشر آیات، خود جهادی کبیر در راه حق و انسانیت است. وی هدف از جهاد کبیر را آگاهی بخشی به مستضعفان و جاهلان و نیز ارشاد آنان به حقوق آزادی، عدالت و مساوات آنها می‌داند که قدرتمندان با تجاوز خود، مانع تحقق آن شده‌اند. کیفیت تحقق این جهاد، با خواندن قرآن کریم بر مردم و انتشار معارف آن است. پیشنهاد صاحب تفسیر الکاشف برای رسوخ قواعد عدل و مساوات در بین مردم - که آن را نتیجه جهاد کبیر

بین قرآن کریم و قلب انسان وجود دارد که به محض رسیدن قرآن از منبع اصلی خودش به جان انسان او را جذب می‌کند. دوم اشتغال قرآن کریم بر معارف گوناگون از جمله تصویرسازی از قیامت، پرداختن به قصص و اخبار گذشتگان (قطب، ۱۴۱۲ق: ۲۵۷۱/۵-۲۵۷۲).

بدین ترتیب، مفسران برجسته‌ای از شیعه و اهل سنت این دیدگاه را اظهار کرده‌اند. انذار دادن کافران با آیات قرآن کریم که در آیات فراوانی از این کتاب آسمانی به‌عنوان یک بخش اصلی از رسالت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مطرح شده (انعام/ ۱۹ و...)، می‌تواند مؤیدی برای دیدگاه مذکور باشد. افزون بر این، توصیف قرآن به‌عنوان فضل بزرگ در آیه شریفه ﴿...ذَلِكْ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ﴾ (فاطر/ ۳۲؛ اسراء/ ۸۷) و نیز اوصاف قرآن کریم مانند عظیم، علی، تقیل و عزیز که بر عظمت و علو معارف قرآنی دلالت دارند می‌تواند توجیه‌کننده صفت «کبیر» در عبارت «جهادا کبیرا» باشد، زیرا قوام و اساس این جهاد را قرآن کریم با چنین اوصافی تشکیل می‌دهد.

عدم تبعیت از کافران گروهی دیگر از مفسران، مرجع ضمیر «به» را مصدر منتزع از «فَلَا تُطِيعُ» یعنی عدم الاطاعة می‌دانند. صاحبان تفاسیر: الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۲۸۶/۳)، روض الجنان و روح الجنان (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۲۴۱/۱۴)، جامع الجامع (طبرسی، ۱۳۷۷ش: ۱۴۲/۳)، أنوار التنزیل و أسرار التأویل (بیضاوی، ۱۴۱۸ق: ۱۲۸/۴)، تفسیر الصافی (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ۱۹/۴) و التحریر و

مقدمات مناظره و آداب استدلال و برهان است و از آن طریق انجام می‌شود. این نوع جهاد، از جهاد اصغر بزرگ‌تر است، لذا با عنوان کبیر از آن یاد شده است (جوادی آملی، جلسه ۲۰ تفسیر سوره فرقان: ۹۰/۱۱/۲۵). در حقیقت ایشان نیز همانند صاحب مجمع البیان، بیان علمی و دقیق آموزه‌های دینی و نیز پاسخ‌گویی به شبهات کافران را عامل تحقق جهاد کبیر به حساب می‌آورد.

صاحب تفسیر روح المعانی نیز مرجع ضمیر در «به» را قرآن کریم می‌داند (آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۳۳/۱۰). در تفسیر فی ظلال القرآن، جهاد به‌وسیله قرآن کریم از دو جهت مهم شمرده شده است: اول به دلیل قوت معانی و معارف قرآن کریم که با استدلال آوری خود به اتمام حجت می‌پردازد. دوم به دلیل تأثیر عمیق و جاذبه‌ای است که قرآن کریم در دل‌ها و نفوس انسان‌ها ایجاد می‌کند که صرف شنیدن آیات الهی موجب جذب مخاطب شده و در درون مخاطب انقلابی ایجاد می‌کند. سید قطب در ادامه به آیه ﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (فصلت/ ۲۶) اشاره می‌کند. این آیه ترس سران مشرک مکه را به‌وضوح از تأثیر شنیداری قرآن کریم نشان می‌دهد و آنها را ناچار کرده است که شنیدن قرآن را بر پیروان خود ممنوع کنند؛ زیرا می‌دانستند که اگر زبردستان فکری آنها به آیات قرآن گوش فرا دهند، جاذبه قرآن آنها را خواهد گرفت و زمینه‌ای برای جذب آنها به سمت پیامبر اکرم خواهد شد. ایشان راز این جاذبه را به دو دلیل می‌داند: اول رابطه فطری‌ای که ۱۰. «کافران گفتند: گوش به این قرآن فرانهید و به هنگام تلاوت آن جنجال کنید، شاید پیروز شوید.»

التنوير (ابن عاشور، بی تا: ۷۵/۱۹) احتمال چنین تفسیری را داده‌اند. مفسران مذکور، صرفاً این قول را مطرح کرده، اما توضیحی در مورد آن ارائه نداده‌اند.

در میان معاصران، مقام معظم رهبری نیز همین قول را برگزیده و جهاد کبیر را به معنای عدم تبعیت از دشمن می‌داند. دشمن را باید شناخت و نسبت به نقشه‌ها و برنامه‌های آنان علیه نظام اسلامی آگاهی داشت. جامعه اسلامی در برابر نسخه‌های اقتصادی، سیاسی و... که دشمن برای آنها آماده می‌کند، باید با احتیاط رفتار کند. وقتی این حساسیت در عرصه‌های مختلف ایجاد شود، دشمن توانایی به تبعیت واداشتن جامعه را نخواهد داشت (خامنه‌ای، سخنرانی در سالگرد رحلت امام خمینی رحمه‌الله‌علیه: ۹۵/۳/۱۴). در تأیید این قول، می‌توان گفت خداوند متعال در موارد متعددی از قرآن کریم، تبعیت نکردن از کافران را به آن حضرت سفارش کند. به‌عنوان نمونه در آیات ابتدایی سوره احزاب، خداوند از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌خواهد که تقوا داشته باشد و از کافران اطاعت نکند (احزاب/۱). در این آیات خداوند برای آرامش دادن به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به ایشان می‌فرماید که مشکلات و فشارهایی را که از طرف کافران در جهت به تبعیت واداشتن صورت می‌گیرد، می‌داند، اما شما در مقابل این فشارها تسلیم نشود و آنها را اطاعت نکن. بلکه در مقابل خطرها و فشارهایی که وجود دارد به خدای متعال تکیه کن و مطمئن باش که خدا شما را کمک خواهد کرد. پیروی نکردن از کافران (جهاد کبیر) ذو ابعاد است و در عرصه‌های مختلف اعم از سیاست، فرهنگ، اقتصاد و هنر باید اتفاق بیفتد تا موفقیت در پروژه بزرگ جهاد کبیر حاصل شود (خامنه‌ای، سخنرانی در

دانشگاه افسری امام حسین علیه‌السلام، ۹۵/۳/۳).
 در مقام نقد و بررسی دو دیدگاه مذکور باید گفت: در تعیین مرجع ضمیر «به» غالب مفسران یاد شده، برای انتخاب خود دلیلی ذکر نکرده‌اند. آنها تنها به ذکر مرجع ضمیر اکتفا کرده و توضیحی برای چرایی آن ارائه نکرده‌اند. علامه طباطبائی انتخاب قرآن به‌عنوان مرجع ضمیر را براساس سیاق آیات می‌داند و توضیحی بیش از این نمی‌دهد. به نظر می‌رسد که سیاق آیات دلیل مناسبی برای ارجاع ضمیر به قرآن نیست؛ زیرا: ۱. عملکرد علامه در تفسیر، تقسیم سوره به سیاق‌های مختلف است. در سوره فرقان، جناب علامه آیات ۴۱ تا ۶۲ را به‌عنوان یک سیاق جدا کرده و به تفسیر آن پرداخته‌اند. در هیچ‌کدام از آیات این سیاق خصوصاً آیات قبل از آیه ۵۲ که آیه محل بحث است، نه لفظ قرآن، نه ضمیری که به قرآن بازگشت داشته باشد و نه معنا و مفهوم کلی مرتبط با قرآن وجود ندارد. در نتیجه براساس عملکرد خود جناب علامه، نمی‌توان سیاق آیه را دلیلی برای ارجاع ضمیر به قرآن دانست.

۲. نزدیک‌ترین کاربرد لفظ قرآن به آیه محل بحث، آیه ۳۲ سوره فرقان است که در سیاقی متفاوت از آیه مورد بحث است که در آن کافران به عدم نزول یک‌باره و دفعی قرآن اعتراض کرده‌اند.

در مقابل، استدلال برخی از مفسرانی که مرجع ضمیر را عدم الاطاعه می‌دانند، اوضح و اقرب به ذهن بودن ارجاع ضمیر، به مصدر منتزع از فعل است (خامنه‌ای، سخنرانی در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری: ۹۵/۳/۶). دلیل اقرب به ذهن بودن این تفسیر، وجود مرجع ضمیر در خود آیه است؛ زیرا ارجاع ضمیر به قرآن براساس قرائن سیاقی احتمالی است که تأیید

طغیان و ظلم (مائده/۶۸؛ آل عمران/۸۶) از جمله اوصاف مطرح شده کافران در قرآن کریم هستند. ذکر این اوصاف نشانگر آن است که مؤمنان باید نه تنها از این صفات دوری کنند بلکه راه‌های مقابله با آنها و صاحبان این اوصاف را نیز بیابند.

همچنین براساس سیاق مجموعی قرآن، اطاعت از خدا و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم (آل عمران/۳۲ و ۱۳۲؛ نساء/۵۹؛ مائده/۹۲ و...) و اطاعت از سایر پیامبران مانند نوح، هود، صالح، لوط، شعیب علیهم‌السلام که با تعبیر «فاتقواالله و اطیعون» هشت بار در سوره مبارکه شعراء (آیات/۱۰۸، ۱۱۰، ۱۲۶، ۱۳۱، ۱۴۴، ۱۵۰، ۱۶۳، ۱۷۹) به کار رفته، لازمه‌اش عدم اطاعت از ملأ و کافران است. این نکته نیز مؤیدی قوی در کنار ذکر مرجع ضمیر در خود آیه، برای ترجیح احتمال مذکور است.

البته نتیجه تفاسیر ارائه شده از آیه، چه آنهایی که مرجع ضمیر را قرآن و چه کسانی که مرجع را عدم الإطاعه می‌دانند، بسیار نزدیک به هم است. اگر مرجع ضمیر، قرآن کریم دانسته شود جهاد کبیر به معنای قوی شدن مسلمانان از طریق اجرای آموزه‌های موجود در قرآن اعم از اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، علمی و فرهنگی خواهد بود. این تقویت آنها را در مقابل کافران مقاوم خواهد ساخت. اگر مرجع ضمیر، عدم الإطاعه باشد جهاد کبیر مقابله با کافران از طریق تبعیت نکردن از آنها است. کافران که به دنبال تسلط بر جامعه اسلامی هستند، تلاش می‌کنند که

نشده است و لفظ «قرآن» نیز در سیاق نزدیک به این آیات وجود ندارد؛ اما ارجاع به مصدر منتزع از فعل، ارجاع ضمیر به مرجعی است که در آیه وجود دارد و ارجاع ضمیر به مرجع موجود، افضل از ارجاع آن به مرجع سیاقی محتمل است.

از سوی دیگر، سیاق کلی آیات قبل از آیه ۵۲ سوره فرقان (آیات ۳ تا ۵۱) تصویری از کافران، انکار رسالت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، انکار قیامت، کيفر خداوند نسبت به آنها و کيفر اقوام انبیاء پیشین را که در کفر به سر می‌بردند، نشان می‌دهد. گفتمان موجود در این آیات نیز تأییدی بر ترجیح احتمال دوم است.

افزون بر این، دین تشریح شده در قرآن همان اسلام است (آل عمران/۱۹) و اسلام چیزی جز تسلیم بودن در مقابل اراده خداوند و اطاعت از پیامبران او نیست، و لازمه این امر تسلیم نبودن و اطاعت نکردن از غیر خدا و کافران است که در آیات دیگری به آن تصریح شده است (آل عمران/۱۰۰، ۱۴۹؛ شعراء/۱۵۱). بسیاری از آیات قرآن به معرفی کفار و صفات آنان و پرده‌برداری از نقشه‌ها و مکرهایشان می‌پردازد. پیروی از باطل (محمد/۳)، پیروی از هوای نفس (اعراف/۱۷۶؛ فرقان/۴۳)، مجرم بودن (انعام/۱۲۳-۱۲۴؛ مریم/۸۶)، اسراف (طه/۱۲۷)، اعتراض بر خدا (بقره/۲۶)، اعراض و رویگردانی از حق (انعام/۴-۵ انبیاء/۱-۳)، فساد (مائده/۶۴)، مستی و غرور (واقعه/۴۵)، خیانت (انفال/۵۸؛ حج/۳۸)، گمراهی (نساء/۱۳۷؛ نساء/۱۶۷) و

جامعه اسلامی را به اطاعت خود در عرصه‌های مختلف زندگی و ادار نمایند. لازمه توحید در عبادت و اطاعت که اولین آموزه قرآنی و مهم‌ترین رسالت پیامبران الهی است، عدم اطاعت از شیطان و مستکبرانی است که در برابر خداوند قد برافراشته و خواهان به بندگی کشاندن انسان‌ها هستند (پس/۶۰). تبعیت نکردن از مستکبران، مستلزم رویارویی با سختی‌ها و فشارهای مختلفی است که بر مؤمنان وارد می‌شود. در حقیقت، خداوند با فرمان دادن به جهاد کبیر، اراده کرده که جامعه اسلامی در عرصه‌های مختلف زندگی در برابر خواسته دشمنان خود تسلیم نشوند و مطابق میل آنها رفتار نکنند. مؤمنان باید نهایت تلاش خود را در جهت اقتدار جامعه اسلامی به کار گیرند تا دشمن نتواند با اقدامات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و علمی خود به تسلط بر جامعه دست یابد و نتواند آنها را به تبعیت از خود وادار نماید.

بخش ۲. عرصه‌های جهاد کبیر

با توجه به تعریفی که از جهاد کبیر ارائه گردید، هرگونه فعالیت پرتلاشی که در عرصه‌های مختلف زندگی در راستای مبارزه غیرنظامی با دشمنان جامعه اسلامی با هدف اقامه و اجرای آموزه‌های قرآن صورت گیرد و به‌طور خاص مبتنی بر عدم اطاعت از دشمن باشد به‌عنوان جهاد کبیر شناخته می‌شود. متناسب با این تعریف هرگونه مبارزه غیرنظامی که با دشمنان جامعه اسلامی در راستای

تقویت امت مسلمان به وقوع بپیوندد، به‌مثابه عرصه‌ای از عرصه‌های جهاد کبیر لحاظ می‌گردد. در حقیقت قید «مبارزه غیرنظامی با دشمنان جامعه اسلامی و به‌طور خاص مبتنی بر عدم اطاعت از دشمن» مبنایی است که عرصه‌های جهاد کبیر را مشخص می‌کند و آن را از جهاد اصغر و جهاد اکبر متمایز می‌سازد؛ به عبارت دیگر، هر نوع مبارزه‌ای که منجر به تقویت جامعه اسلامی و در نتیجه تسلیم نشدن در مقابل کفار گردد، عرصه‌ای از جهاد کبیر محسوب می‌شود. تسلیم در صورتی رخ می‌دهد که انسان در موضع ضعف باشد؛ و از سوی دیگر، لازمه تسلیم نشدن و اطاعت نکردن از طرف مقابل، اقتدار است. در اصطلاح قرآنی اقتدار، بخشی از مفهوم «عزت» است که از آن خدا و رسول و مؤمنان است (منافقون/۸). مهم‌ترین عرصه‌های ضعف و اقتدار یک جامعه به حوزه‌های فرهنگ، علم، اقتصاد و سیاست مربوط می‌شود. البته آیاتی که مستند هر یک از این عرصه‌ها هستند نیز در ذیل زیر فصل‌های مربوط خواهد آمد. با توجه به اینکه جهاد کبیر خود زیرمجموعه جهاد است، این عرصه‌ها برای مفهوم عام جهاد نیز متصور است؛ اما تفاوتی که وجود دارد این است که با توجه به عام بودن مفهوم جهاد نسبت به جهاد کبیر، نوع نگاه به این عرصه‌ها براساس هرکدام از این دو مفهوم دچار قبض و بسط می‌شود. زمانی که از منظر جهاد کبیر به این عرصه‌ها نگاه می‌شود، توجه به آنها از لحاظ مبارزه غیرنظامی با دشمنان جامعه اسلامی است.

از تمام توان خود در رسیدن به این اهداف کمک می‌گیرد.

قرآن کریم از طریق مجموعه‌ای از اقدامات فرهنگی، زمینه عدم اطاعت از کافران را فراهم کرده است. رفع تردیدهای مرتبط با رسالت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم (إسراء/۸۸)، برقراری پیمان برادری میان آحاد مردم در جامعه اسلامی (حجرات/۱۰) و در مقابل، بصیرت و آگاهی نسبت به عدم پایبندی کفار به تعهداتشان (توبه/۱۲)، ممنوعیت برقراری برخی روابط اجتماعی با کافران (آل‌عمران/۱۱۸؛ مائده/۵۱)، دعوت به تشکیل امت واحده، دعوت به تدبیر در آیات قرآنی (نساء/۸۲)، تشویق به عبرت گرفتن از داستان اقوام مشرک و کافری که به دلیل تبعیت از مترفین و سران کفر مشمول عذاب الهی شدند (نحل/۳۶) و نیز وعده نصرت الهی به مؤمنان در مقابل کافران (روم/۴۷)، از مهم‌ترین اقدامات فرهنگی-اجتماعی قرآن کریم است که نقش مؤثری در تحقق جهاد کبیر ایفا کرده و سبب می‌شود که کافران نتوانند جامعه اسلامی را به تبعیت از خواسته‌های خود در عرصه فرهنگ وادار نمایند.

۲. اقتصاد

دین مبین اسلام، دارای قواعدی کلی در زمینه روش تنظیم حیات اقتصادی و حل مشکلات اقتصادی در جهت تأمین عدالت اجتماعی است (شلیبی، ۱۹۸۷م: ۲۶). آیه شریفه ﴿لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط﴾ (حدید/۲۵)، رسالت اصلی

آموزه‌های قرآن در راستای عزیز کردن امت اسلام است. جامعه اسلامی برای رسیدن به اوج اعتلاء و دست یافتن به جامعه قرآنی مورد نظر قرآن، باید در همه عرصه‌های فردی و اجتماعی اعم از فرهنگ، اقتصاد، سیاست و علم پیشرفت کند و مانع تسلط کافران بر خود گردد. در این بخش، مهم‌ترین زمینه‌هایی که انجام جهاد کبیر در مورد آنها، امکان وقوعی پیدا می‌کند، مورد بحث قرار می‌گیرد.

۱. فرهنگ

فرهنگ مجموعه‌ای است شامل دانش‌ها، باورها، هنرها، اخلاق، قوانین، رسوم و هرگونه قابلیت‌ها و عادت‌های فکری که انسان به‌عنوان عضوی از یک جامعه آنها را کسب می‌کند (کتاک، ۲۰۱۱م: ۲۷). نقش اساسی فرهنگ، هویت‌بخشی به جوامع است. هر جامعه‌ای با فرهنگی که دارد، شناخته می‌شود. قوام هر جامعه به فرهنگ است و عامل تمایز آن از دیگر جوامع به حساب می‌آید. (خامنه‌ای، سخنرانی در دیدار اعضای هیئت دولت: ۸۶/۶/۴).

دشمن برای محقق کردن هدف خود که همانا نابودی جامعه اسلامی است، به نبرد فرهنگی با آن اقدام می‌کند. در این نبرد فرهنگی که از آن به جنگ نرم یاد می‌شود، دشمن به دنبال دو هدف است: ۱. تضعیف اعتقادات و باورهای جامعه اسلامی؛ ۲. ترسیخ باورهای شرک‌آلود و مادی خود در اذهان عموم مردم جامعه اسلامی. دشمن

۱۳۶۸ الف: ۱۶/۲-۱۷).

در قرآن کریم نیز، آیات متعددی به مباحث اقتصادی مربوط است که همین امر، اهمیت اقتصاد را در دین اسلام روشن می‌کند. برخی از آیات قرآن کریم، در راستای تحقق عدالت اجتماعی و فقرزدایی از جامعه اسلامی پرداخت‌های مالی را بر مسلمانان واجب کرده است. آیاتی که به وجوب دستوراتی مانند زکات، خمس و نیز آیاتی که ترغیب به پرداخت‌های مستحبی نظیر صدقه می‌کنند، از این قبیل هستند. حجم زیادی از دیگر آیات اقتصادی قرآن کریم نظیر آیات مربوط به دین و توابع آن (بقره/۲۴۵، ۲۸۰، ۲۸۲)، ناظر به نحوه تعاملات و قراردادهای اقتصادی و بیان شرایط هر کدام از آنهاست.

اگرچه دین اسلام بر اقتصاد تأکید فراوان دارد، اما موضوع اقتصاد در مکتب اسلام فی‌نفسه هدف نیست. بلکه مقدمه‌ای است که شرایط را برای تحقق اهداف عالی مکتب اسلام فراهم می‌آورد. اهمیت اقتصاد در آن است که در پرتوی آن، آرامش روانی جامعه تا حد زیادی تأمین می‌شود و جامعه برای انجام دستورات الهی و تحقق اهداف عالی اسلام مهیا می‌شود.

تلاش دشمنان جامعه اسلامی بر آن است که با حربه‌های مختلف و فشارهای اقتصادی گوناگون و تحریم‌های متعدد، اقتصاد آن را با مشکل مواجه کنند تا به هدف خود که ناامید کردن مردم از نظام اسلامی است، نائل آیند. اگر دشمن بتواند از این طریق توده مردم جامعه را از نظام اسلامی ناامید

پیامبران را اقامه قسط توسط مردم می‌داند و یکی از برجسته‌ترین مصادیق اقامه قسط و عدالت اجتماعی، حوزه اقتصادی و معاملات است زیرا قوام زندگی بشر به اجتماع است و قوام اجتماع به معاملات و مبادلاتی است که بین آنان دایر است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲۰۳/۱۴). همچنین قرآن کریم دستور داده است غنایم حاصل از فیء به‌گونه‌ای از نظر اقتصادی مدیریت شود که اموال بیت‌المال بین ثروتمندان دست‌به‌دست نگردد در حالی که بقیه افراد جامعه در فقر و بیچارگی هستند (حشر/۷). افزون بر این، یکی از بارزترین موارد جهاد، مجاهده با اموال است که در آیات قرآن کریم مورد تأکید قرار گرفته است (نساء/۹۵؛ انفال/۷۲؛ توبه/۲۰؛ حجرات/۱۵).

اسلام با وضع قوانین اقتصادی درباره مالکیت، مبادلات، مالیات، حجر، ارث، هبه، صدقه، وقف و مجازات مالی، به‌طور مستقیم با اقتصاد ارتباط برقرار کرده است (مطهری، ۱۳۶۸ الف: ۱۶/۲). اهمیت اقتصاد به‌قدری است که فقهای اسلامی در کتب فقهی خود به‌طور مستقل به این مباحث پرداخته‌اند و از مهم‌ترین مباحث آنها: زکات، خمس، کفارات، وقف، عطیه، متاجر، دین، رهن، شرکت، مضاربه، ودیعه و عاریه است (شهید ثانی، ۱۳۸۸: فهرست کتاب). علاوه بر این، اسلام به شکل غیرمستقیم از طریق اخلاق با اقتصاد پیوند برقرار کرده و دستورات زیادی در حوزه مسائل اقتصادی از قبیل عدالت، امانت، ایثار و منع دزدی و رشوه صادر کرده است (مطهری،

۴۶۴/۱۹). بخش عمده‌ای از عمل به این آموزه قرآنی به عرصه سیاست ورزی مربوط می‌شود. اندیشه سیاسی به معنای نوع تفکر و نظام نظری یک مکتب پیرامون سیاست است که دارای انسجام و چارچوب نظام‌مند است. هر اندیشه سیاسی بر پنج مؤلفه اصلی بنا شده است: هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، فرجام‌شناسی، انسان‌شناسی و جامعه- دولت. جامعه و دولت بستر تحقق اندیشه هر مکتب در جامعه و نوع پیش‌بینی است که برای نحوه تعاملات و ارتباطات بین مردم و دولت انجام داده است (جلیلی، ۱۳۸۱: ۱۰-۱۱).

دین اسلام با توجه به اینکه هر پنج رکن اصلی تولید یک اندیشه سیاسی را در خود دارد، مکتبی است که از اندیشه سیاسی خاص خود برخوردار است و طبق آن به سیاست ورزی می‌پردازد. اسلام در هستی‌شناسی علاوه بر عالم دنیا، عوالم غیب را به رسمیت می‌شناسد و به رابطه و تأثیر آن بر عالم دنیا معتقد است. در معرفت‌شناسی، بر وحی به‌عنوان منبع الهی معرفت و از مهم‌ترین دریچه‌های معرفت تأکید دارد. زندگی انسان و دیگر موجودات عالم را منحصر به دنیا نمی‌داند، بلکه سیری برای حیات آنها قائل است که دنیا یک حلقه و مرحله از حیات آنهاست و اصل حیات و زندگی آنها را، حیات اخروی می‌داند که از مهم‌ترین ویژگی‌های آن، جاودانگی آن است. براساس این نوع معرفت به انسان، سعادت حقیقی او در پیمودن مسیری است که

کند و آن را ناکارآمد جلوه دهد، خواهد توانست او را به تبعیت از خود بکشانند. در این شرایط، نیاز جامعه اسلامی جهاد اقتصادی است. جهاد اقتصادی به آن معناست که در برابر دشمن، نهایت تلاش در جهت تقویت اقتصاد جامعه اسلامی و بی‌اثر کردن توطئه‌ها، نقشه‌ها و فشارهای اقتصادی دشمنان به کار گرفته شود تا در پرتوی آن عدالت اجتماعی و فقرزدایی در گستره وسیع در جامعه اسلامی انجام گیرد و دشمن نتواند از طریق فشارها و تحریم‌های اقتصادی، جامعه اسلامی را به اطاعت کردن از خود مجبور سازد.

۳. سیاست

یکی از عرصه‌های مهمی که ملأ و مترفین در اصطلاح قرآنی و نظام سلطه در اصطلاح امروزی مواضع خود را بر جوامع دینی تحمیل می‌کند و آنها را به اطاعت از خود وادار می‌نماید، عرصه سیاسی است. براساس فرمان «خذوا حذرکم» (نساء/۷۱) در مقام مقابله با کافران، مؤمنان باید با بهره‌گیری از عقل و با درایت در برابر دشمن موضع‌گیری کنند. فرمان «خذوا حذرکم» دستور به‌کارگیری عقل و بصیرت در دشمن‌شناسی است. بر حذر بودن خردمندان عناصر فراوانی را در بردارد مانند دشمن‌شناسی، آسیب‌شناسی، آگاهی از جغرافیای دشمن و راه‌های نفوذ بیگانه. این عبارت رسا شئون متعدد علمی و عملی دارد، از جمله بر حذر بودن از توطئه‌های دشمنان خارجی و توطئه دشمنان داخلی (جوادی آملی، ۱۳۸۳:

سیاست اسلامی بر مبنای نپذیرفتن تسلط بیگانگان است؛ زیرا جامعه اسلامی به واسطه ایمان به خدا و دیگر اعتقادات حق خود، به عزت حقیقی دست یافته است و قرار گرفتن زیر یوغ کافران و دشمنان دین الهی با این عزتی که خدای متعال به جامعه اسلامی ارزانی کرده است ناسازگار است. لذا قاعده نفی سبیل به عنوان یکی از مهم ترین اصول سیاست جامعه اسلامی باید مبنای تصمیم گیری ها و جهت گیری های سیاسی قرار گیرد.

جهاد کبیر در عرصه سیاست به معنای آن است که اندیشه سیاسی اسلام مورد توجه قرار گیرد و مبنای تعاملات و ارتباطات سیاسی باشد. اصول سیاست اسلامی در صدر تمام برنامه ها و سیاست ها باشد و بر محور آنها تصمیمات گرفته شود. مقاومت لازم در برابر هجمه های دشمنان که در صدد تحریف اصول سیاست اسلامی به نفع خود هستند، صورت گیرد. با تلاش همه جانبه، اصول سیاست اسلامی به باور آحاد مردم جامعه تبدیل شود و نفرت آگاهانه نسبت به اصول سیاست غیر اسلامی دشمنان در آنها تقویت شود.

۴. علم

یکی از عرصه های مهم که در مقابل کفار، قدرت آفرین است و زمینه را برای عدم اطاعت از آنها فراهم می کند علم است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این زمینه فرمود: علم قدرت است. هر کس به آن دست یابد غلبه پیدا می کند و هر کس به آن دست نیابد زیر سلطه قرار می گیرد (ابن

در نهایت سعادت اخروی را به عنوان فرجام کار برایش محقق کند. در اسلام، انسان به عنوان جانشین خدا در زمین شناخته می شود، لذا نوع رفتارهای سیاسی او باید به نحوی باشد که حاکمیت خداوند در زمین نمایان گردد و تابع دستورات خداوند باشد؛ بنابراین در اندیشه سیاسی اسلام خداست که هدایت و راهنمایی می کند، اصول و مبنای سیاست را تعالیم الهی مشخص می کند و انسان به عنوان جانشین خداوند به پیاده سازی این اصول و قواعد در سطح جامعه می پردازد و براساس آن به تشکیل حکومت اقدام می کند. اصول کلی سیاست اسلامی عبارتند از: توحید، گسترش عدالت، نفی سبیل و برقراری ارتباط با دولت ها و حکومت های دیگر در جهت تأمین منافع جامعه اسلامی (جلیلی، ۱۳۶۹: ۳۳-۴۸).

اساس سیاست ها و برنامه های سیاسی جامعه اسلامی باید به نحوی باشد که به گسترش توحید چه در داخل جامعه اسلامی و چه در ارتباطات خارجی بینجامد و جهت کلی سیاست ها باید به نحوی باشد که به استقرار عدل و رفع ظلم در جامعه منتهی شد. دین اسلام سلطه بیگانگان و دشمنان خدا را بر جامعه اسلامی ناپسند می دارد و با بیان اصل کلی «...وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»^{۱۱} (نساء/۱۴۱)، هرگونه تسلط دشمن را نفی می کند. لذا برنامه ها و اصول کلی

۱۱. «... خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است.»

آیات اشاره دارد که اسلام از هر لحاظ باید غلبه پیدا کند و زمام هدایت مردم جهان را در دست بگیرد و آنها را به نور و تکامل الهی برساند. ایجاد چنین آرمانی جز با اهمیت دادن به علم و دانش محقق نمی‌شود؛ زیرا جامعه اسلامی با بی‌سوادی و عقب‌ماندگی علمی، برای رفع نیازهای خود محتاج تولیدات علمی جوامع غیر اسلامی خواهد بود و جامعه مطلوب اسلامی محقق نخواهد شد (خامنه‌ای، سخنرانی در دیدار دانشجویان اتحادیه انجمن‌های اسلامی شرق اروپا: ۱۹/۵/۸۱).

از ارکان اصلی پیشرفت و تقویت جامعه اسلامی در عصر حاضر، توجه به علم است. جامعه اسلامی به پیشرفت علمی در شاخه‌های مختلف علوم بشری اعم از علوم مهندسی، فنی، تجربی و انسانی نیاز دارد. علت این امر آن است که هر کدام از این علوم، گوشه‌ای از نیازهای جامعه اسلامی را تأمین می‌کند و خودکفایی در آن عرصه را برای کشور فراهم می‌کند. جهاد علمی به معنای آن است که در تمام علوم که جامعه اسلامی به آن نیازمند است، تلاش و کوشش شایسته‌ای صورت گیرد تا با نوآوری‌ها و تولیدات علمی خود، نیازهای جامعه را برطرف کنند و جامعه اسلامی را به اوج اقتدار برسانند.

بحث و نتیجه‌گیری

۱. براساس معنای لغوی و کاربرد قرآنی واژه جهاد

ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق: ۳۲۰/۲۰). قرآن کریم در موارد متعددی از جمله آیه: ﴿... يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ...﴾^{۱۲} (مجادله/۱۱) بر علم تأکید کرده و مؤمنانی را که به زینت علم آراسته شده‌اند، بر سایر مؤمنان برتری داده و به شایستگی از آنها تمجید کرده است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق: ۱۸۸/۱۹). علاوه بر این، پیامبر اکرم صلی‌الله علیه‌وآله وسلم در اهمیت علم‌آموزی می‌فرماید: ﴿اطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ﴾^{۱۳} (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵: ۱۱/۱). این حدیث شریف بر دو نکته تأکید دارد: ۱. مکان‌مند نبودن طلب علم؛ ۲. مهم نبودن جنسیت در طلب علم. صاحب‌مجمع‌البیان نیز پاسخ‌گویی علمی به شبهات دشمنان دین را که به دفاع از دین الهی منجر می‌شود از مصادیق جهاد کبیر دانسته است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۷۳/۷).

راز تأکید اسلام بر مسئله علم، به جهت دنیای مطلوب و آرمانی است که اسلام به دنبال آن است. در قرآن کریم در سه آیه، غایت ارسال پیامبر اسلام، تسلط و چیرگی بر دیگر آیین‌ها معرفی می‌شود^{۱۴} (توبه/۳۳، فتح/۲۸، صف/۹). این

۱۲. «...تا خدا مؤمنان از شما را به درجه‌ای و دانشمندان را به درجاتی [عظیم و بارز] بلند گرداند...»

۱۳. «علم را طلب کنید اگرچه که در چین باشد. پس همانا طلب علم بر هر مسلمانی واجب است»

۱۴. «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (توبه/۳۳)؛ «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا»

(فتح/۲۸)؛ «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (صف/۹).

- و نیز آیه ۵۲ سوره فرقان، جهاد کبیر به معنای به‌کارگیری همه توان در جهت مقابله غیرنظامی با کافران یا جنگ نرم با کفار، براساس آموزه‌های قرآن کریم است.
۲. ابزار جهاد کبیر متناسب با دو تفسیر مشهور از «به» در آیه مورد بحث، «آموزه‌های قرآن کریم» یا «عدم اطاعت از کافران» است. البته نتیجه هر دو تفسیر نزدیک به هم خواهد بود.
۳. قول «عدم اطاعت از کافران» در جهاد کبیر به دلیل وجود مرجع ضمیر در خود آیه، سیاق آیات ۳ تا ۵۱ سوره فرقان و سیاق و فضای کلی قرآن در مورد چگونگی برخورد با کفار، از مؤیدهای بیشتری برخوردار است.
۴. قرآن کریم جامعه اسلامی را جامعه‌ای عزتمند، قوی، دارای فرهنگی هویت‌بخش و غلبه‌کننده بر کافران معرفی می‌کند.
۵. مهم‌ترین عرصه‌های جهاد کبیر که زمینه را برای عزت جامعه اسلامی و عدم اطاعت از کافران فراهم می‌کند، عبارت‌اند از: جهاد فرهنگی، جهاد اقتصادی، جهاد سیاسی و جهاد علمی.
- منابع
- قرآن کریم.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه. قم: مکتبه آیه الله مرعشی.
- ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۸م). جمهره اللغة. بیروت: دار العلم للملایین.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی‌تا). التحریر و التنویر. بی‌جا: بی‌نا.
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. محقق هارون عبد السلام محمد. قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۳۸۳). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن. به تحقیق دکتر محمد جعفر یاحقی و دکتر محمد مهدی ناصح. مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- امینی، ابراهیم (۱۳۶۹). خودسازی یا تزکیه و تهذیب نفس. قم: انتشارات شفق.
- آلوسی، محمود (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم. به تحقیق علی عبدالباری عطیه. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- بیضاوی، عبدالله (۱۴۱۸ق). أنوار التنزیل و أسرار التأویل. به تحقیق محمد عبد الرحمن المرعشلی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جلیلی، سعید (۱۳۸۱). بیان اندیشه سیاسی اسلام در قرآن (رساله دکتری). دانشکده علوم سیاسی و معارف اسلامی. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- _____ (۱۳۷۴). سیاست خارجی پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). تسنیم. به تحقیق سعید بند علی. قم: اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ق). الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیه. به تحقیق عطار احمد

- عبد الغفور. بیروت: دار العلم للملایین. العربی.
- خلیل بن احمد فراهیدی (۱۴۱۰ق). کتاب العین. قم: انتشارات هجرت.
- عبدالباقی، محمد فؤاد (۱۳۷۴). المعجم المفهرس لألفاظ القرآن. تهران: انتشارات اسلامی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. به تحقیق صفوان عدنان داودی. بیروت: دارالعلم الدار الشامیة.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵). روضة الواعظین و بصیرة المتعظین. قم: انتشارات رضی.
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل. بیروت: دار الکتب العربی.
- فضل الله، محمد حسین (۱۴۱۹ق). تفسیر من وحی القرآن. بیروت: دار الملائک للطباعة و النشر.
- شلبی، احمد (۱۹۸۷م). الإقتصاد فی الفکر الإسلامی. قاهره: مکتبة النهضة المصریة.
- فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۵ق). تفسیر الصافی. به تحقیق حسین اعلمی. تهران: انتشارات الصدر.
- شهید ثانی، محمد بن مکی (۱۳۸۸). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة. به تحقیق سیدعلی حسینی. قم: انتشارات دار العلم.
- قطب، سید (۱۴۱۲ق). فی ظلال القرآن. بیروت: دار الشروق.
- صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ق). المحيط فی اللغة. به تحقیق آل یاسین محمدحسن. بیروت: عالم الکتب.
- مدرسی، محمد تقی (۱۴۱۹ق). من هدی القرآن. تهران: دار محبب الحسین.
- طباطبائی، محمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- مراغی، احمد (بی تا). تفسیر المراغی. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). نظری به نظام اقتصادی اسلام. تهران: انتشارات صدرا.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷). جوامع الجامع. تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۳). جنگ و جهاد در قرآن. قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- معرفت، محمدهادی (۱۴۱۵ق). التمهید فی علوم القرآن. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). نظری به نظام اقتصادی اسلام. تهران: انتشارات صدرا.
- مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴ق). تفسیر الکاشف. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- مکرم شیرازی، ناصر (۱۳۷۳). ترجمه قرآن

- Kottak, Conrad phillip (2011). *Cultural Anthropology: Appreciating Cultural Diversity*. New York: McGraw-Hill.
- <http://www.portal.esra.ir/Pages/Index.aspx?kind=2&lang=fa&id=NjI3Nw%3d%3d-RL1PoJnVXbU%3d>. Last Update 2018, May.
- <http://farsi.khamenei.ir/speech>. Last Update 2019, March.
- کریم. قم: دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).
- نرم افزار جامع التفاسیر ۲.
- نرم افزار جامع الاحادیث ۳/۵.
- نرم افزار کتابخانه دیجیتال اسراء.
- نرم افزار مشکاة الأنوار.

